



دانشگاه پیام نور مرکز ورامین - رشته حقوق

۱۳۸۹

حقوق مدنی 4

مبحث مقدماتی- مروری بر حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها در ایران

گفتار اول- منابع مسئولیت مدنی در حقوق ایران :

1- قانون مدنی 2- قانون مسئولیت مدنی 3- قانون مجازات اسلامی

✓ رویه قضایی از دو طریق به منابع حقوقی کمک می کند 1- از طریق آرای وحدت رویه 2- از طریق آرای دادگاه های بالاتر

گفتار دوم- مهمترین قواعد مسئولیت در حقوق ایران :

1- تسبیب 2- تصرف نامشروع در مال غیر 3- استیفاء 4- اداره مال غیر 5- ایفای ناروا

✓ تسبیب : طبق این قاعده هر کس سبب ورود زیل به دیگری بشود مسئول جبران زیان است.

تصور قاعده سببیت در حقوق ایران :

1- زیان به طور مستقیم و بدون واسطه عامل دیگر وارد شود که اصطلاحاً به آن اتلاف گفته می شود

2- زیان به واسطه عامل دیگری وارد می شود که به طور خاص به این حالت تسبیب گفته می شود

نک : در حقوق ایران مبنای اصلی در مسئولیت ناشی از فعل شخص، فعل اشیاء و فعل غیر، قاعده تسبیب یا نظریه تقصیر است و مسئولیت بدون تقصیر حالت استثنایی دارد و از طرفی حقوق ایران صغار و مجانین را مسئول جبران زیان های وارد به دیگران می داند چنانچه اسباب متعدد به طور همزمان خسارتی وارد کرده باشند مانند دوفر که با هم خسارتی وارد می کنند تمام اسباب مسئولیت دارند مگر آنکه میزان دخالت آنها متفاوت باشد که تشخیص این امر با دادگاه است. اما اگر اسباب متعدد به صورت پی در پی (طولی) قرار گرفته باشند در چنین حالتی حقوق ایران مسئولیت را بر عهده مؤثرترین سبب قرار می دهد اما در صورتی که همه اسباب به طور غیرمستقیم دخالت نمایند عاملی که زودتر تأثیر داشته ضامن است.

تصرف نامشروع در مال غیر (غصب) :

✓ مسئولیت ناشی از غصب تابع قاعده عمومی تسبیب نیست و ملاک مسئولیت متصرف مال غیر را حدود و

قلمرو تصرف او می دانند نه رابطه سببیت او با خسارت

چنانچه چند غاصب با هم مالی را تصرف کنند هر یک به اندازه ای که در مال تصرف دارد در مقابل مالک ضامن است اما اگر مال به صورت طولی دست به دست شده باشد در چنین حالتی تمام متصرفان در مقابل مالک به طور تضامنی مسئولند.

ایفای ناروا:

✓ اگر کسی بر اثر اشتباه، تعهد و دینی را پرداخت کند می تواند با اثبات اشتباه خود آن را مسترد کند و گیرنده مال

هم موظف است مال دریافتی را برگرداند، اما اگر پرداخت کننده نتواند اشتباه خود را اثبات کند، اصول و امارات پرداخت را صحیح تلقی می کنند.

فصل اول - قواعد عمومی مسئولیت مدنی و جبران ها

مبحث اول- تعاریف مفاهیم اساسی

گفتار اول - مفهوم عمومی

مسئولیت مدنی: در معنای وسیع، مسئولیت های ناشی از نقض قرارداد و مسئولیت های غیرقراردادی یعنی مسئولیت ناشی از رفتار زیانبار را شامل می شود، اما در معنای خاص به مسئولیت غیر قراردادی اطلاق می شود. مسئولیت مدنی در مفهوم کلی و عمومی خود عبارت است از مسئولیت جبران خسارات ناشی از رفتارهای زیانبار.

نک: هدف اصلی مسئولیت مدنی، جبران ضرر زیان دیده است (جبران خسارت)

✓ اصل عدم تجمع مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی: طبق این اصل در مورد یک خسارت نمی توان هم از مبنای قراردادی و هم مبنای مسئولیت مدنی استفاده کرد

گفتار سوم - تقصیر

عمل قابل سرزنش عملی است که نسبت به معیار مورد پذیرش، انحراف پیدا کرده است و واقع رفتارقابل سرزنش همان تقصیر است که آن را نوعی تخلف از ضوابط یا نقض تعهد و الزامات می دانند همواره تقصیر شرط اصلی مسئولیت بوده است.

تقصیر شخصی و نوعی:

شخصی: از این نظر در ایجاد مفهوم و مصداق تقصیر، وضع شخص مقصر اهمیت دارد و ویژگی های شخصی و ادراکی او مورد توجه قرار می گیرد براساس این نظر مجنون نمی تواند تقصیر کند چون قادر به درک ضوابط و خروج از آنها نمی باشد.

نوعی: از این نظر تقصیر صرفنظر از مقصر، یک رفتار نوعی است که در آن خروج از معیارها مشاهده می شود. در این نظریه به تقصیر بیش از مقصر توجه می شود و رفتاری که بیرون از ضوابط نوعی باشد باید آن را تقصیر دانست. در این نظر مجنون هم در صورت ورود خسارت به دیگری مقصر و مسئول است از نظر مؤلف باید ملاک نوعی و عینی را ترجیح داد

تقسیم تقصیر از جهات مختلف

الف- تقصیر عام و خاص

تقصیر عام: برخی از تکالیف و تعهدات عمومی و کلی است مثلاً هر کس موظف است به طور متعارف رفتار کند و تعدی و تفریط نکند. امین، وکیل و مستأجر تعهداتی عمومی برعهده دارند و نقض این تعهدات تقصیر عام یا عمومی است.

تقصیر خاص: در مواردی نقض یک تعهد خاص صورت می گیرد و تقصیر خاص واقع می شود مثلاً رعایت

چراغ قرمز یک تعهد خاص است و اگر کسی از چراغ قرمز عبور کند وجود تقصیر بدیهی است

ب- تقصیر مثبت و منفی

تقصیر مثبت : منظور از این تقصیر انجام یک فعل می باشد مثلاً عبور از چراغ قرمز، قراردادن یک مانع در محل غیرمجاز و تیراندازی غیر دقیق.

تقصیر منفی : منظور از این تقصیر ترک فعل است. در مواردی که انجام یک تکلیف یا تعهدی خاص برعهده کسی است عدم انجام آن مصداق تقصیر است؛ مانند ترک انفاق و ترک ثبت ازدواج و طلاق

ج- تقصیر سبک و سنگین

تقصیر سبک : منظور از این تقصیر، تقصیر غیر عمد و متعارف است؛ یعنی تقصیری که انسان های معمولی آن را انجام می دهند.

تقصیر سنگین : در مواردی که احتمال ورود خسارت زیاد است بی حرفه و شغل شخص، حساس است و نفعی و تفریط کوچک خسارت به بار می آورد تقصیر سنگین واقع شده است؛ تقصیر سنگین در حکم تقصیر عمدی است

مبحث دوم- نظریات اساسی در مسؤولیت مدنی

1-نظریه تقصیر: طبق این نظریه مسئولیت تنها با احراز تقصیر ایجاد می شود. بنابراین اصل برعهده مسئولیت فاعل است. بار اثبات تقصیر در این نظریه برعهده زیان دیده است؛ لذا در صورت عدم اثبات تقصیر، مسئولیت و جبرانی تصور نمی شود و در صورت اثبات ظاهری تقصیر، فاعل می تواند در مقام دفاع برآید یا به علت خارجی استناد نماید تا از مسئولیت معاف گردد.

2-نظریه فرض تقصیر : براساس این نظریه در صورت ورود زیان، مفروض آن است که فاعل تقصیر کرده است و لذا اصل بر مسئولیت وی می باشد و بار اثبات برعهده اوست؛ اما در مقام دفاع او می تواند عدم تقصیر خود را اثبات کند و با اثبات علت خارجی فاعل خود را از مسئولیت رها می سازد؛ مثلاً کارفرما مسئول خسارات ناشی از اقدامات کارگران خود می باشد مگر اینکه اثبات نماید تمام احتیاطات لازم را رعایت نموده است

3-نظریه خطر یا مسئولیت عینی: براساس این نظریه در صورت ورود ضرر فاعل مسئول جبران خسارت است. در این نظریه اصل بر مسئولیت و جبران می باشد و اثبات عدم تقصیر یا رعایت احتیاط های لازم تأثیری در مسئولیت ندارد و تنها راه برای خروج از مسئولیت اثبات وجود علت خارجی است؛ قاعده اتلاف با این نظریه مقایسه می شود.

4-نظریه مسئولیت شدید یا ایمنی : طبق این نظریه اصل بر مسئولیت است و شخص در هیچ حالتی نمی تواند از مسئولیت مبرا گردد حتی با وجود علت خارجی مثل مسئولیت غاصب در خصوص خسارت های وارده به مال مورد غصب.

مبحث سوم - ارکان مسؤولیت مدنی

ارکان مسؤولیت مدنی اعم از مسؤولیت قراردادی و غیر قراردادی :

1 - وجود یک تعهد و تکلیف

2- نقض تعهد و تکلیف

3- وجود ضرر

4- وجود رابطه بین نقض تعهد و ضرر

ارکان مسئولیت مدنی به معنای خاص :

1- فعل زیانبار 2- ضرر قابل مطالبه 3- رابطه عرفی بین فعل و خسارت

نک : در قاعده اتلاف، متلف ضامن خسارات است و در تحقق اتلاف وجود تقصیر شرط نیست

گفتار اول- فعل زیانبار

تقسیم فعل زیانبار به اعتبار فاعل مستقیم :

1- فعل شخص 2- فعل حیوان 3- فعل اشیاء 4- فعل غیر

✓ مقصود از فعل شخص حالت طبیعی فعل زیانبار است در این حالت شخص با رفتار خود موجب ورود ضرر به دیگران می شوند.

✓ در مورد فعل حیوان و فعل شیء ، خسارت از فعل مستقیم حیوان و وضع خاص اشیاء (مانند ساختمان، خودرو) تولید می شود اما در واقع دارنده یا صاحب آنها مسئولیت را می پذیرند در مورد مسئولیت ناشی از فعل حیوان و اشیاء اصل بر نظریه تقصیر است

✓ در مورد فعل غیر، کسی مسئول خسارات ناشی از فعل شخص دیگر می باشد مانند مسئولیت سرپرست نسبت به مولی علیه خود. در این مورد وجود نوعی رابطه تبعیت و ورود خسارت در زمان فعلیت این رابطه از مهمترین شرایط در مسئولیت فعل غیر می باشد

گفتار دوم - ضرر قابل مطالبه

اقسام ضرر :

- 1- ضرر مادی : ضرری است که به اعیان و منافع و حقوق اموال وارد می شود و قابل تقویم به پول می باشد
 - 2- ضرر معنوی : ضرری که قابل تقویم به پول نمی باشد و به طور کلی صدمات روحی و لطماتی را که به آبرو، حیثیت و اعتبار تجاری و شخصی افراد وارد می شود شامل می گردد
- ✓ خسارت عدم النفع : خسارت مربوط به منافی است که براساس روال متعارف برای خواهان ایجاد می شده است ولی به دلیل رفتار زیان زننده آن نفع به خواهان نرسیده است مثلاً خواهان کالایی را برای فروش خریده بود و خوانده نیز این را می دانسته و قرارداد را نقض کرده است
- در حقوق کامن لا، خسارت عدم النفع ، جزو خسارت مورد انتظار قرار می گیرد و قابل مطالبه است مشروط بر اینکه براساس روال معمول در رویه متعارف قابل تحصیل تلقی می شده است در حقوق فرانسه نیز نظریه جبران کامل، هر دو نوع خسارت یعنی ضرر واقعی و عدم النفع را در بر می گیرد

نک : درخصوص خسارت عدم النفع تنها منافی قبل مطالبه اند که مقتضی وجود نفع حاصل شده باشد و منافع ممکن الحصول باشند.

شرایط ضرر قابل مطالبه :

- 1- مسلم و قطعی بودن ضرر
- 2- الزامی بودن حق مبنای مطالبه ضرر
- 3- مشروعیت حق مبنای مطالبه ضرر
- 4 - عدم جبران قبلی ضرر

✓ مسلم و قطعی بودن ضرر: ضرر قابل مطالعه ضرری است که عرفاً از قطعیت برخوردار باشد بنابراین ضررهای احتمالی مانند عدم النفع احتمالی یا ضررهای آینده که عرفاً قطعی الحصول تلقی نمی شوند قابل مطالبه نیستند

✓ الزامی بودن حق مبنای مطالبه ضرر: در این مورد زیان دیده در صورتی می تواند ضرری را مطالبه کند که ثابت کند ضرر ناشی از تعرض به یک حق قانونی و الزامی باشد مثلاً اگر شخصی تعهدی به پرداخت نفقه نداشته باشد ولی به خاطر انگیزه های وجدانی و اخلاقی مدتی به دوست خود نفقه پرداخت کند و سپس از پرداخت امتناع کند، دوست وی نمی تواند ضرر ناشی از عدم پرداخت را مطالبه کند.

✓ مشروعیت حق مبنای مطالبه ضرر: در این مورد اگر متعهد در یک تعهد نامشروع و غیر قانونی به تعهدات خود عمل نکند و از این ناحیه خساراتی به طرف خود وارد نماید زیان دیده حق مطالبه ضرر ندارد

✓ عدم جبران قبلی ضرر: در صورتی که ضرر قبلاً جبران شده باشد نمی توان دوباره همان ضرر را با عنوان دیگری جبران نمود. مثلاً در مسئولیت تضامنی اگر یکی از مسئولان بخشی از دین را پرداخت کند، طلبکار نمی تواند نسبت به همان بخش به مسئول دیگر مراجعه کند

گفتار سوم- رابطه عرفی بین فعل و ضرر

صرف وجود یک فعل و ضرر نمی تواند مسئولیتی را برعهده صاحب فعل قرار دهد و تنها در صورتی که بین فعل و ضرر یک رابطه عرفی و انتسابی وجود داشته باشد مسئولیت محقق می شود به طور مثال خسارتی از غاصب قابل مطالبه می باشد که در زمان تصرف او ایجاد شده باشد

انواع سبب به عنوان مسئول جبران ضرر :

- 1- سبب مقصر و عدوانی: هر کدام از اسباب که مقصر است مسئول است.
- 2- سبب اقوی: سببی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد
- 3- سبب متناسب یا متعارف: سببی که با خسارات متناسب است و ورود ضرر از ناحیه او قابل مطالبه باشد
- 4- سبب بلاواسطه و نزدیک: سببی که بین آن و خسارت فاصله ای نباشد
- 5- سبب مقدم در وجود: سببی که زودتر به وجود آمده است حتی اگر نتیجه آن متأخر باشد مثلاً در مثال چاه و سنگ که چاه کن مسئول است
- 6- سبب مقدم در تأثیر: سببی که زودتر تأثیر کرده است در مثال چاه و سنگ، کسی که سنگ را گذاشته مسئول است.

7- نظریه ترکیبی: طبق این نظریه، همه نظریات یا ترکیبی از چند نظریه می تواند راه حل مطلوب باشد این نظریه به واقع نزدیکتر است.

مبحث چهارم - علل خارجی و تأثیر آن بر مسئولیت مدنی

✓ علت خارجی عاملی است خارج از متعهد که در نقض تکلیف و ورود خسارت دخیل می کند. علت خارجی بر رکن رابطه سببیت تأثیر می گذارد و در مواردی که به عنوان عامل اصلی در ورود خسارت شناخته می شود رابطه بین متعهد و خسارت را قطع می کند

اقسام علت خارجی:

1- قوه قاهره 2- فعل زیانده 3- فعل شخص ثالث

✓ علت خارجی باید شرایط عمومی مانند غیرقابل پیش بینی بودن و غیر قابل اجتناب بودن را دارا باشد و الا آثار معافیت برای فاعل نخواهد داشت.

قوه قاهره در مواردی که مسئولیت به صورت مطلق باشد اثری بر جبران های فاعل زیان ندارد، لذا در تصرف نامشروع قوه قاهره مؤثر نمی باشد.

مبحث پنجم - علل موجهه و تأثیر آن بر مسئولیت مدنی:

1- دفاع مشروع 2- اضطرار 3- اذن 4- خطر پذیری 5- ابرای قبلی زیانده 6- سبب اقوی

✓ دفاع مشروع: دفاع در مقابل حمله نامشروع دفاع مشروع است

برای تحقق دفاع مشروع:

1- دفاع باید برای مقابله با حمله باشد و الا دفاع پیش دستانه را نمی توان دفاع مشروع تلقی کرد

2- حمله نیز نباید مشروع باشد

3- حمله موردنظر باید قطعی یادر شرف وقوع باشد

4- دفاع کننده نباید راه دیگری جز دفاع داشته باشد، لذا اگر به طور متعارف بتواند از حمله اجتناب کند ورود خسارت از طریق دفاع مباح نخواهد بود.

نک: مهمترین شرط دفاع مشروع، تناسب است، یعنی تمام اقدامات دفاع کننده باید متناسب با شرایط و حمله باشد

دفاع از دیگران در صورتی می تواند مصداقی از دفاع مشروع تلقی شود که دفاع ضرورت داشته باشد و کسی که مورد حمله قرار گرفته برای دفاع استمرار نماید.

✓ اضطرار: حالتی که در آن به دلیل دخالت حوادث قهری، مضطر ناچار می شود برای دفع ضرر ناشی از آن حوادث، ضرر دیگری را وارد نماید برای استناد به اضطرار لازم است غیر قابل پیش بینی و غیر قابل اجتناب بودن اضطرار اثبات گردد.

انواع حالات اضطرار:

- 1- شخص برای دفع ضرر خود به دیگری خسارت وارد می کند به طور مثال، برای جلوگیری از ورود سیل به خانه خود و ... مسیر آن را به طرف زمین همسایه منصرف می کند در چنین حالتی شخص ضامن است.
 - 2- شخص برای رفع ضرر از غیر به اموال او خسارت وارد می کند برای مثال برای جلوگیری از گسترش آتش در مغازه غیر، بخشی از دیوارها را خراب می کند. در این مورد طبق قاعده احسان نباید شخص را ضامن دانست.
 - 3- شخص برای دفع ضرر از کسی به شخص ثالث ضرر وارد می کند به طور مثال برای جلوگیری از غرق شدن اموال کسی، از قایق و بنزین شخص ثالث استفاده می کند. اما در این حالت ضمان از عهده شخص متلف رفع می شود و برعهده صاحب مال قرار می گیرد.
 - 4- شخص برای دفع ضرر از جامعه به اموال خصوصی افراد ضرر وارد می کند در این حالت جبران نه به عهده شخص است و نه به عهده دولت.
- ✓ اذن: اذن به انجام یک عمل مشروع، آن عمل و تألیف آن نسبت به اذن دهنده را مباح می کند مثلاً تصرفاتی که پزشک در حدود اذن نسبت به بیمار انجام می دهد مباح می باشد خروج از اذن و تجاوز قطعی آن موجب ایجاد مسئولیت در جبران خسارت احتمالی می باشد.
- ✓ خطرپذیری: وقتی کسی خطر اقداماتی را بپذیرد، خسارات ناشی از آن اقدامات برعهده خود اوست مثلاً در اقدامات ورزشی ممکن است خساراتی به ورزشکار وارد شود و اگر عملیات ورزشی در حدود مقدمات باشند این خسارات قابل مطالبه نیستند.
- ✓ ابرای قبلی زیانده: در صورتی که قبل از ورود ضرر احتمالی فاعل زیان از مسئولیت بری شود در این حالت او مسئول جبران خسارات بعدی نخواهد بود مثلاً در عمل جراحی چون مقدمات نزدیک و سبب خسارات احتمالی ایجاد شده است زیانده آینده می تواند ذمه پزشک نسبت به دین آینده را ابراء نماید.
- ✓ سبب اقوی: در مواردی مانند اکراه، امر آمر یا فریب، عمل مکره، مأمور و فریب خورده عملی قابل توجیه می باشد. از سوی دیگر اکراه کننده، آمر و فریب دهنده نسبت به فاعل همانند علت خارجی عمل می کنند.
- نک: در برخی از مصادیق اکراه مانند اکراه به قتل، مکره از مسئولیت معاف نمی شود، زیرا در این مورد نه عمل قابل توجیه است و نه رابطه اکراه کننده رابطه قوی تری می باشد.

مبحث ششم- مبانی و اصول جبران ها

VARAMIN-TPNU-AC.VCP.IR

دانشگاه پیام نور مرکز ورامین - رشته حقوق

Varamin_news@live.com

نظریه جبران خسارت :

- 1- نظریه تفاوت : در این تئوری خسارت قابل جبران را عبارت از تفاوتی می دانند که بین موقعیت واقعی خواهان با آنچه باید باشد و به واسطه حادثه زیانبار حاصل نشده است می دانند این تئوری در حقوق آلمان پذیرفته شده است که به طور خاص در خسارات ناشی از نقض قراردادها به کار می رود
- 2- نظریه موقعیت مشابه: طبق این نظریه جبران خسارات، طرف زیانده را باید در همان موقعیتی قرار دهد که اگر قرارداد اجراء می شد در آن وضع قرار می گرفت این نظریه در حقوق کامن «انگلستان» مطرح می شود.
- 3- جبران کامل: در این نظریه نقطه شروع ارزیابی خسارت، جبران کامل خسارت زیاندریده دانسته شده است این نظریه از حقوق فرانسه استنباط می شود

اصول جبران ها

- 1- اصل بازگشت زیاندریده به وضع قبل از ورود ضرر کسی که به دیگری خسارت وارد می کند وضع زیاندریده را تغییر می دهد و باید با جبران خسارات، زیاندریده را به وضع قبل از ورود زیان بازگرداند
- 2- اصل عدم تضامن: طبق این اصل هر کس مسئول خسارات ناشی از عمل خود می باشد لذا در صورت تعدد عوامل و اسباب باید مسئولیت را بین آنها تقسیم کرد
- 3- اصل ترتیب جبران عینی و مالی: مقصود از جبران عینی آن است که جبران تلاش کنووضع زیاندریده اعاده گردد و مانند برگرداندن مال. اما اگر در مقابل ضرر وارد شده، ارزیابی مالی صورت گیرد و مبالغی در مقابل آن پرداخت شود، جبران را مالی می دانیم

فصل دوم - قواعد خاص مسؤولیت مدنی و جبران ها

مبحث اول - قاعده تصرف نامشروع و غصب

گفتار اول - مبانی تصرف نامشروع

برای تحقق قاعده تصرف نامشروع وجود عناصر زیر ضروری است:

الف- دارا شدن ب- کم شدن دارایی شخص دیگر ج- دارا شدن بدون مجوز قانونی باشد

قاعده ضمان ید : مبنای این قاعده ، حدیث نبوی مشهور (علی الید ما اخذت حتی تؤدیه) می باشد. طبق این حدیث هر گاه مالی به صورت قهری و جبری وبدون اجازه مالک آن مال یا بدون اجازه شرعی و قانونی در تصرف شخصی واقع شود، عهده و ذمه متصرف مشغول به آن مال است و تنها با ادا آن از عهده آن خارج می شود.

✓ در خصوص ضمان منافع، در صورتی که مال تصرف شده دارای منافع متعددی باشد که ارزش آنها متفاوت است، باید متصرف را ضامن منفعت متعارف دانست و چنانچه منافع دارای ارزش متفاوت باشند ظاهراً منفعت پر ارزشتر مورد ضمان است.

گفتار دوم - غصب

✓ تعریف و قلمرو غصب: طبق ماده 308 قانون مدنی، غصب استیلاء بر حق غیر است به نحو عدوان، اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است .

تفاوت غصب و تصرف عدوانی:

- 1- در تصرف عدوانی، موضوع مال غیر منقول است ولی غصب کلیه اموال را در بر می گیرد
- 2- در غصب بحث مالکیت مورد بررسی قرار می گیرد اما در تصرف عدوانی، سبق تصرف خواهان را حقوق تصرف خوانده.
- 3- در غصب مالک می تواند علیه کلیه غاصبان اقامه دعوی کند اما در تصرف عدوانی متصرف فعلی طرف دعوا قرار می گیرد.

4- دعوی غصب یک ادعای حقوقی و دعوی تصرف عدوانی یک موضوع کیفری است

نک : تصرف شریک در حال مشاع بدون اذن سایر شرکاء نیز مصداقی از غصب و تصرف عدوانی است
انکار نیز مطابق ماده 310 قانون مدنی در حکم غصب است، طبق این ماده: اگر کسی که مالی به عاریه یا به ودیعه و امثال آنها در دست اوست منکر گردد و از تاریخ انکار در حکم غاصب است
✓ حدود تکالیف غاصب: طبق ماده 311 قانون مدنی، غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید و اگر عین تلف شده باشد باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر به علت دیگری رد عین ممکن نباشد باید پول آن را بدهد.

در غصب دو حکم تکلیفی وجود دارد:

- 1- حرمت تصرف در مال غیر
 - 2- وجوب و لزوم ردّ عین
- در خصوص ردّ مال مغضوب، در صورتی که صاحب آن مال شخص کامل باشد باید مال بلو یا وکیلش داده شود و در صورتی که کامل نباشد (مانند صغیر و مجنون) باید مال به ولی او داده شود و اگر در این مورد مال را به مالک اصلی آن یعنی غیر کامل بدهد ضمان او مرتفع نمی گردد

نک : در صورتی که ضمان به صورت قیمی باشد، قیمت حین الاداء مورد استفاده قرامی گیرد و در خصوص مکان باید منطقه ای که عرفاً محل زندگی و کسب و کار صاحب مال است مورد توجه قرار گیرد و در مورد اموال غیر منقول نیز محل وقوع مال ملاک صحیح است

در صورتی که مال تلف یا اتلاف نشده بلکه بنا به دلایلی دسترسی به عین و رد آن ممکن نیست، غاصب بایبذل مال مغضوب را به مالک آن بدهد، در این حالت مال اعطا شده (بذل حیلولة) می نامند. در صورتی که بذل حیلولة در دست مالک مال مغضوب تلف گردد چنانچه مالک در این امر تعدی و تفریط نکرده باشد ضامن نخواهد بود.

نک : چنانچه پس از پرداخت قیمت مال مغضوب، مثل یافت شود لازم نیست مثل آن داده شود چون پرداخت قیمت به عنوان جبران قطعی است، اما در مورد بذل حیلولة در صورت دسترسی به مال عین مال به مالک آن تحویل می گردد.

نک : در مواردی که رد عین مال مغضوب مستلزم عسر و حرج است، غاصب از رد عین معاف می گردد و باید مثل یا قیمت را بپردازد.

افزایش قیمت مال :

طبق ماده 314 قانون مدنی، اگر در نتیجه عمل غاصب، قیمت مال مغضوب زیاد شود غاصب حق مطالبه قیمت زیادی را نخواهد داشت مگر آنکه آن زیادتى عین باشد که در این صورت عین زیادی متعلق به خود غاصب است در صورتی که زیادتى قیمت صرف اثر باشد مانند نخ کردن پنبه، آرد کردن گندم، غاصب بودن مال را با همان شکل تغییر یافته به مالکش رد کند و به جهت زیادتى مستحق هیچ گونه اجرتى نیست و حتى بدون اجازه مالک نیز نمى تواند مال را به حال اول برگرداند

در صورتی که زیادتى عین باشد مانند کاشتن درخت در زمينى غیر یا احداث بنا در آن، زیادتى از آن غاصب خواهد بود.

در صورتی که زیادتى اثرى است که عین نیز دارد مانند رنگ کردن لباس و آب دادن فلز، چنانچه جدا کردن مال غاصب از عین مغضوب ممکن نباشد و یا آنکه غاصب و مالک بر جدا کردن آن دو مال توافق نمایند هر دو شریک طرف مقابل می گردند.

نقص و عیب مال :

طبق ماده 315 قانون مدنی، غاصب مسئول هر نقص و عیبى است که در زمان تصرف او به مال مغضوب وارد شده باشد هر چند مستند به فعل او نباشد

نک: در صورتی که مال مغضوب در حین تصرف غاصب و به واسطه فعل او زیادتى قیمت پیدا کند و مجدداً مقى آن کاهش یابد و به حال اول بازگردد غاصب ضامن رد عین و نقص قیمت مذکور می باشد

تکالیف غاصبان در تعاقب ایادی:

طبق ماده 316 قانون مدنی، اگر کسی مال مغضوب را از غاصب غصب کند آن شخص نیز مثل غاصب سابق ضامن است اگرچه به غاصب اولی جاهل باشد.

اگر شخصی مال را از غاصب باز پس گرفت تا آن را به مالک رد نماید اما مجدداً آن را به غاصب باز گرداند ضامن خواهد بود و مالک در رجوع به شخص مذکور و غاصب مخیر خواهد بود در حقوق خارجی این افراد به ضامن غیرارادی معروفند.

مسئولیت غاصبین نسبت به عین و بدل آن، مسئولیت تضامنی می باشد یعنی هر یک از غاصبین به میزان تمام عین ضامنند.

طبق ماده 318 قانون مدنی، هر گاه مالک رجوع کند به غاصبی که مال مغضوب در ید او تلف شده، آن شخص حق رجوع به غاصب دیگر ندارد ولی اگر به غاصب دیگر به غیر از کسی که مال در ید او تلف شده است رجوع نماید مشارالیه نیز می تواند به کسی که مال در ید او تلف شده است مراجعه نماید و یا به یکی از لاحقین خود رجوع نماید تا منتهی شود به کسی که مال در ید او تلف شده است نسبت به منافع عین:

طبق ماده 320، نسبت به منافع مال مغضوب هر یک از غاصبین به اندازه منافع زمان تصرف خود و بعد خود ضامن است اگرچه استفاده منفعت نکرده باشد، لیکن غاصبی که از عهده منافع زمان تصرف غاصبین لاحق خود برآمده است می تواند به هر یک نسبت به زمان تصرف او رجوع کند ابرای ذمه غاصبان:

طبق ماده 321، هر گاه مالک ذمه یکی از غاصبین را نسبت به مثل یا قیمت مال مغضوب ابراء کند حق رجوع به غاصبین دیگر نخواهد داشت، ولی اگر حق خود را به یکی از آنها به نحوی از انحاء انتقال دهد آن کس قائم مقام مالک می شود و دارای همان حقی خواهد بود که مالک دارا بوده است.

چنانچه مالک تعهد را ساقط نکند بلکه برخی از غاصبین را از محدوده مسئولیت خارج نماید مثلاً بگوید من مال را از حسن و حسین نمی خواهم، مسئولیت سایرین به قوت خود باقی است و مالک حق رجوع به آنها را دارد نکته: اگر مالک حقوق خود را به آخرین نفر (ضامن نهایی) منتقل کند وی نمی تواند به قیوات بعدی مراجعه نماید.

طبق ماده 322 ق.م، ابرای ذمه یکی از غاصبین نسبت به منافع زمان تصرف او موجب ابرای ذمه دیگران از حصه آنها نخواهد شد، لیکن اگر یکی از غاصبین را نسبت به منافع عین ابراء کند حق رجوع به لاحقین را نخواهد داشت.

معامله بر مال مغضوب:

اعتبار معامله

طبق ماده 304 ق.م، اگر کسی که چیزی را بدون حق دریافت کرده است خود را محقق می دانسته لیکن در واقع محقق نبوده و آن چیز را فروخته باشد، معامله فضولی و تابع احکام مربوط به آن خواهد بود. مسؤولیت طرفین معامله در مقابل مالک:

طبق ماده 323 ق.م، اگر کسی مال مغضوب را از غاصب بخرد آن کس نیز ضامن است و مالک می تواند طبق مقررات به هر یک از بایع و مشتری رجوع کند و عین یا مثل یا قیمت مال و همچنین منافع آن را مطالبه نماید. طبق ماده 325 ق.م، اگر مشتری جاهل به غصب بوده و مالک به او رجوع نموده باشد، او نیز می تواند نسبت به ثمن و خسارات به بایع رجوع نماید، اگرچه مبیع نزد خود مشتری تلف شده باشد و اگر مالک نسبت به مثل یا قیمت رجوع به بایع کند، او حق رجوع به مشتری را نخواهد داشت. در معامله مال مغضوب در صورتی که قاعده غرور قاعده قصدی نباشد، یعنی برای تحقق آن قصد غرور لازم نباشد بلکه رفتار غار (فروشنده) نوعاً غرور ایجاد کند، در حالتی که هم فروشنده و هم مشتری جاهل باشند و فروشنده مال را در معرض فروش قرار دهد غرور صدق می کند.

طبق ماده 326 ق.م، اگر عوضی که مشتری عالم بر غصب در صورت تلف مبیع به مالک داده است زیاده بر مقدار ثمن باشد به مقدار زیاده نمی تواند به بایع رجوع کند ولی نسبت به مقدار ثمن حق رجوع دارد. در خصوص مخارج نگهداری مال مغضوب، در صورتی که متصرف جاهل به عدم استحقاق خود باشد می تواند هزینه های پرداختی را دریافت نماید ولی در صورت علم به عدم استحقاق خود مستحق دریافت هزینه های پرداختی از صاحب مال نمی باشد. در صورتی که مالک مال مدعی باشد که متصرف با علم بر مالکیت او، در مال تصرف نموده است و متصرف نیز متقابلاً مدعی جهل خود باشد، ادعای مالک مقدم است و مدعی جهل نیازمند اثبات جهل خود می باشد.

مبحث دوم - قاعده اتلاف

طبق ماده 328 ق.م، هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد، اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.

نک: اتلاف با اجازه مالک آن موجب ضمان نخواهد بود.

آنچه که وجود یا عدم آن در ضمان بی تأثیر است قصد و عمد در تلف کردن می باشد نه قصد نسبت به اصل عمل، زیرا چنانچه شخص حتی قصد عمل نیز نداشته باشد مسلماً از جهت اتلاف ضامن نمی باشد. مثلاً شخصی که به واسطه لغزشه بودن زمین، به زمین می افتد بر اثر برخورد با ظرفی، آن را می شکند به دلی عدم انتساب تلف به شخص از جهت اتلاف ضامن نخواهد بود.

طبق ماده 320 ق.م، اگر کسی حیوان متعلق به غیر را بدون اذن صاحب آن بکشد باید تفاوت قیمت زنده و کشته آن را بدهد ولیکن اگر برای دفاع از نفس بکشد یا ناقص کند ضامن نیست گاهی حیوان کشته شده دارای ارزش و قیمت است مثلاً گوشت آن قابل خوردن است، در این موارد تفاوت بین ارزش باقیمانده در حیوان و حیوان زنده به عنوان خسارت از متلف اخذ می شود

مبحث سوم - قاعده تسبیب

✓ تسبیب: واقعه یا عملی است که سبب وقوع تلف می گردد، لیکن علت تامه تلف نمی باشد بلکه عمل به نحوی است که اگر واقع نمی شد تلف نیز تحقق نمی یافت

نک: در تسبیب تنها انتساب فعل به سبب جهت ضمان کافی می باشد و عمد و غیر عمد در آن دخالت ندارد تفاوت های اتلاف و تسبیب:

1- در اتلاف عمل شخص مستقیماً باعث تلف می گردد ولی در تسبیب واسطه ای بین عمل شخص و تلف وجود دارد.

2- در اتلاف فقط فعل وجودی قابل تصور است، اما در تسبیب هم فعل وجودی و هم ترک فعل، امکان وقوع دارد در ترک فعل مثلاً ولی در حفظ اموال مولی علیه به تکلیف خود عمل نکند و سبب ورود ضرر به مولی علیه شود

3- وجود عنصر تقصیر و بی احتیاطی در تسبیب بنابراین در صورتی که سبب مرتکب تقصیر و بی احتیاطی نشده باشد ضامن نیست

طبق ماده 332 ق.م، هر گاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال باشد مباشر مسئول است نه مسبب، مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد

نک: مقصود از رابطه سببیت صرفاً یک رابطه مادی و مکانیکی نیست مقصود از رابطه سببیت مجموع شرایط و عواملی است که استناد و انتساب را در عرف بین ضرر و عمل ایجاد می نماید

اگر مباشر دارای اراده و شعور نباشد ضامن نیست، مانند اینکه کسی چاهی را حفر کند و مجنونی شخص ثالث را به درون چاه افکند، در این مورد ضمان بر عهده حفر کننده چاه است چنانچه مباشر مغرور باشد می تواند در خسارت به غار رجوع کند. همچنین در مورد مکره، ضمان بر عهده اکراه کننده واقع می شود زیرا سبب از مباشر قوی تر می باشد.

چنانچه اسباب مختلفی در ایجاد ضرر دخالت داشته باشند و این اسباب در طول یکدیگر قرار گرفته باشند، سببی را که رابطه عرفی قویتری با خسارت داشته باشد مسئول می دانند

طبق ماده 333 ق.م، صاحب دیوار یا عمارت یا کارخانه مسئول خساراتی است که از خراب شدن آن حاصل می شود، مشروط بر اینکه خرابی در نتیجه عیبی حاصل گردد که مالک مطلع بر آن بوده و یا از عدم مواظبت او تولید شده است.

طبق ماده بالا اصل بر عدم تقصیر مالک است و مطلع بودن مالک از عیب و یا عدم مواظبت او باید از طرف مدعی ثابت گردد.

گفتار چهارم - مسؤولیت ناشی از خرابی ساختمان و فعل حیوان

طبق ماده 334 ق.م، مالک یا متصرف حیوان، مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می شود مگر آنکه در حفظ آن حیوان تقصیر کرده باشد، لیکن در هر حال اگر حیوان به واسطه عمل کسی منشأ ضرر گردد، فاعل آن عمل مسئول خسارات خواهد بود.

اگرچند نفر مشترکاً حیوانی را هدایت کنند، در صورت بروز خسارت، هر یک به مقداری که وظیفه حفظ کردن را داشته است مسئول خواهد بود در تصادم بین دو اتومبیل چنانچه یک نفر عاود و طرف دیگر مقصر باشد باید عاود را مسئول دانست ولی چنانچه عمد و مسامحه در بروز خسارت دخالت نداشته باشد، بلکه تصادف به واسطه شرایط قهری مانند طوفان واقع شود هیچ یک از طرفین را نمی توان ضامن و مسئول دانست.

مبحث چهارم - قاعده استیفاء

طبق ماده 336 ق.م، هر گاه کسی برحسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهیای آن عمل باشد عامل مستحق اجرت عمل نخواهد بود، مگر اینکه معلوم شود قصد تبرع داشته است.

اگر کسی به قصد تبرع عملی را انجام دهد، اگرچه امر قصد اعطای اجرت را داشته باشد مستحق اجرت نخواهد بود ولی اگر عامل قصد تبرع نداشته ولی امر قصد تبرع داشته عامل محقق خواهد بود و چنانچه در مورد وجود یا عدم قصد تبرع بین عامل و امر اختلاف باشد قول عامل در مورد عدم تبرع مقدم است.

طبق ماده 337 ق.م، هرگاه کسی برحسب اذن صریح یا ضمنی از مال غیر استیفاء منفعت کند، صاحب مال مستحق اجرت المثل خواهد بود مگر اینکه معلوم شود که اذن در انتفاع مجانی بوده است.

مبحث پنجم - قاعده ایفای ناروا

طبق ماده 302 ق.م، اگر کسی اشتبهاً خود را مدیون می دانست آن دین را تأدیه کند حق دارد از کسی که آن را اخذ کرده استرداد نماید در صورتی که پرداخت کننده ادعا کند که دینی نداشته و اشتبهاً پرداخت کرده، اثبات عدم دین و در نتیجه اثبات اشتباه برعهده پرداخت کننده است.

اما اگر در اصل دین اختلاف نباشد، بلکه پرداخت کننده ادعا کند که دین خود را پرداخت کرده و گیرنده ادعا کند که پرداخت کننده مال را به صورت مجانی به او بخشیده است در این مورد گیرنده باید اثبات کند مال به طور رایگان به او داده شده است.

مبحث ششم - قاعده اداره مال غیر

طبق ماده 336 ق.م، اگر کسی اموال غایب یا محجور و امثال آنها را بدون اجازه مالک یا کسی که حق اجازه دارد اداره کند باید حساب زمان تصدی خود را بدهد در صورتی که تحصیل اجازه در موقع مقدور بوده یا تأخیر در دخالت موجب ضرر نبوده است حق مطالبه مخارج را نخواهد داشت، ولی اگر عدم دخالت یا تأثیر در دخالت موجب ضرر صاحب مال باشد، دخالت کننده مستحق اخذ مخارجی خواهد بود که برای اداره کردن لازم بوده است در خصوص قسمت اخیر ماده فوق چنانچه تصرف مستلزم ورود ضرر بر مال غیر باشد متصرف ضامن نخواهد بود. مثلاً اگر برای جلوگیری از سرایت آتش به خانه غیر، متصرف ناچار شود تعدادی از دیوارهای خانه او را خراب کند ضامن نخواهد بود.

مطالبه مخارج اداره مال غیر مشروط به شرایطی است :

- 1- عمل اداره کننده به منظور اداره مال غیر صورت گرفته باشد، بنابراین اگر شخصی متصرف برای اداره مال خود از مال غیر نیز استفاده کند مستحق دریافت نمی باشد
- 2- عدم اداره مال غیر، موجب ورود ضرر به صاحب مال باشد یا اجازه گرفتن از مالک ممکن نباشد، بنابراین سود رساندن به مالک نمی تواند مجوزی برای اداره مال باشد

در مورد مخارج لازم برای اداره مال غیر می توان 3 نوع هزینه مالی را تصور نمود :

- 1- هزینه های بالفعل : مانند پرداخت پول برای خرید وسیله، اجیر کردن کارگر
 - 2- هزینه های بالقوه : که شامل موارد زیر می شود
- الف) اجرت عمل مادی اداره کننده. مثلاً اداره کننده خود شیشه های خانه مالک را نصب کند.
- ب) اجرت یا حق مدیریت : مانند اداره عمومی مال غیر و نیز اجرت برای استخدام کارگران
- نک : مخارج غیرضروری که عرفاً اداره و حفظ و بقای مال بدان بستگی نداشته قابل مطالبه نمی باشد

منابع

VARAMIN-TPNU-AC.VCP.IR

دانشگاه پیام نور مرکز ورامین - رشته حقوق

Varamin_news@live.com